



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۴/۱۰

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم

محتویات

- ۱- حدیث اخلاقی
- ۲- خلاصه جلسه گذشته
- ۳- ادامه مرجحات تراحم
- ۴- راه تشخیص اهم
 - ۴.۱- یقین به اهم بودن یکی از متزاحمین
 - ۴.۲- تشخیص اهم در مورد شک
 - ۴.۳- تصریح قانون گذار
 - ۴.۴- استفاده از نفس دلیل
 - ۴.۵- تقدم حقوق بر حق واحد
 - ۴.۶- تأکید خاص شارع
 - ۴.۷- سیره عقلا
- ۵- دیدگاه اهل سنت در تراحم
 - ۵.۱- انواع تراحم نزد اهل سنت

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل کرونا/تشخیص اهم در تراحم

هنگام بیماری

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

۱- حدیث اخلاقی

خدا را شاکریم که در محضر آیات و روایات معصومین علیهم السلام هستیم.

حدیث اخلاقی و سیر و سلوکی امروز کلام دُرّباری است که سه معصوم در این سخن دخالت دارند. حدیث شریف از حضرت ابی عبدالله الحسین سیدالشهدا علیه آلاف التحية و الثنا است که سؤال می‌کنند از پدر بزرگوارشان درباره نشست و برخاست‌های رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله. سه معصوم در این سخن شراکت دارند و در انشاء این سخن دخیل هستند.

روی الصدوق فی حدیث طویل فی صفة النبی (صلی الله علیه و آله): قال الحسین (علیه السلام): فسألته عن مجلسه فقال: كان رسول الله (صلی الله علیه و آله) لا يجلس و لا يقوم إلا على ذكر. [۱]

سیره بزرگان همانند خودشان بزرگ است. تمام افراد سیر و سلوکی باید این را سرلوحه کار خود قرار دهند.

بندگی در ذکر الهی است. ما باید متوجه باشیم عالم و آدم در ذکر الهی است من و شما هم عقب نیفتیم. ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ [۲] [۳]

تکوینا همه در ذکر الهی هستند ما هم تشریعا مشغول ذکر باشیم. پرندگان و چرندگان همه مشغول ذکر الهی است. فرمودند اگر مرگ پرنده‌ای و حیوانی اتفاق افتاد بدانید از ذکر حضرت حق غافل شده است. [۴] [۵] نباید از ذکر حضرت حق غافل شد.

حضرت امام صادق علیه السلام صاحب همه حوزه‌های علمیه فرمودند: رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله هر وقت می‌نشستند استغفار می‌کردند ۲۵ مرتبه و بلند می‌شدند ۲۵ مرتبه

استغفار می کردند، آرام می گرفتند ۲۵ مرتبه استغفار می کردند.

[۶] [۷] [۸]

فرمودند موقع نشست و برخاست این را بگویید. ﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [۹] آیات آخر سوره مبارکه صافات. فقها می گویند هنگام نشستن و برخاستن مستحب است انسان متذکر به این ذکر باشد. به خصوص برخاستن. [۱۰] [۱۱]

ان شاء الله مصداق ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ [۱۲] باشیم.

۲- خلاصه جلسه گذشته

تزام تنافی دو مدلول یا دو حکم است. مرجحات باب تزام را عرض کردیم. گفتیم ما دو مسأله مهم داشتیم. جایی که مکلف بین دو تکلیف مردد باشد. اگر ارجحیتی برای هیچ یک از دو تکلیف ندید عقل و عقلاء قائل به تخییر هستند. انقاذ غریقها هیچ مرجحی ندارد، اینجا هر کدام را خواست نجات دهد. ولی اگر یکی از متزامین مرجحی داشت باید همان را انتخاب کند. یکی از قواعدی که می توانیم یک طرف تکلیف را انجام دهیم و دیگری را کنار بگذاریم قاعده اهم و مهم بود. قاعده اهم و مهم معنایش این است که بین دو حکم و دو تکلیف نسبت سنجی می کند و بر اساس مزیتی که دارد آنها را انتخاب می کند.

۳- ادامه مرجحات تزام

اشاره کنیم به برخی دیگر از مرجحات تزام که باعث ارجحیت یک طرف است. شاید بشود به عنوان مرجحات عمومی این موارد را ذکر کنیم:

۸) اگر طرف حکم و واجب ما حفظ اسلام باشد و حفظ معارف، قطعا اولویت بر سایر تکالیف دارد. مثلا یکی، مسأله اسلامی و نفس اسلام است و دیگری احکام جزئیه دیگر است.

قطعا حفظ اسلام مقدم بر خیلی از واجبات است. گاهی نه واجبات که شاید محرمات را هم حلال کند.

(۹) مورد دیگر اولویت که به ترتیب می‌گوییم و ملاحظه بفرمایید، جایی است که مسأله جان و نفس باشد. قطعا جان نسبت به اموال اهم است.

(۱۰) از موارد دیگر و مصداق اهم جایی است که تراحم بین حق الله و حق الناس باشد. مثلا الآن مادری که روزه می‌گیرد مکلف به امر روزه است. آیه قرآن حق الله است که روزه بگیر: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [۱۳] اگر روزه بگیرد بی‌شیر می‌شود و حق الناس است که بچه شیر نداشته باشد و آسیب ببیند. حق کودک بر حق الله که روزه است مقدم است. چقدر اسلام دقیق است.

(۱۱) مورد دیگر در تراحم واجبات، تراحمات بین واجبات رکنیه و غیر رکنیه است. رکن آن است که چه سهوا و چه عمدا ترک شود واجب باطل است مانند رکوع و قیام و تکبیرة الاحرام در نماز و در هر واجبی مثل حج رکن مربوط به خود را دارد. همیشه در واجباتی که دارای اجزای رکنی و غیر رکنی هستند رکن مقدم است.

(۱۲) مورد دیگر جایی است که مکلف مجبور به انتخاب دروغ مصلحت‌آمیز شد و از سویی راست فتنه‌انگیز است؛ اینجا دروغ مصلحتی مقدم است.

۴- راه تشخیص اهم

۴.۱- یقین به اهم بودن یکی از متزاحمین

اگر یقین کرد به مهم‌تر بودن یکی باید همان را مقدم کند. فرقی نمی‌کند خودش به دست آورده یا از بدیهیات عقلیه باشد یا از قول دیگران باشد و یا قول مجتهدش. یقینش ملاک اهمیت است از راهی که به دست آید و در مقام ارجحیت مجزی است.

ولی گاهی یقین ندارد. در صورتی که متزاحمین متساویین باشند به حدی که تعادل دارند جای تخییر است.

گاهی نمی‌داند مساوی هستند و یا مساوی نیستند تکلیف چیست؟ شک مکلف در انتخاب تخییر و تعیین است. اینجا باید به قدر متیقن عمل کند. مفاد قدر متیقن تعیین است. به احتمال ترجیح یک طرف هم عمل کند. به نظر ما احتمال منجز است. اگر شبهه وجوبیه و تحریمیه بود، باید تحریمیه را مقدم کند.

۴.۲- تشخیص اهم در مورد شک

چیزی که در تراحم مهم است این است که راه تشخیص اهمیت چیست؟ ملاک تشخیص اهم چیست؟

۴.۳- تصریح قانون‌گذار

گاهی قانون‌گذار یا آمر به امر (نه لزوماً شارع) یا مجری، مشخص می‌کند که این مورد اهمیت بیشتری دارد، اینجا اهمیت ثابت می‌شود. گاهی اهم را مجتهد تشخیص می‌دهد و می‌گوید که مکلف باید عمل کند. مثلاً ازل النجاسة را می‌گوید اولی است و بر نماز مقدم کن. به خصوص اگر وقت نماز موسع باشد.

۴.۴- استفاده از نفس دلیل

راه دیگری که بیشتر وقت‌ها به این راه منتهی می‌شود این است که اهمیت را از خود دلیل مشروعیت به دست آوریم. نفس دلیل اهم از آن استفاده می‌شود. مانند اینکه مکلفی مخیر است بین حکمی که در آن ماجراجویی می‌شود و فتنه و بین حکمی که منجر به قتل می‌شود. کدام مهم‌تر است. در نفس تشریع دلیل می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ [۱۴] و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ﴾ [۱۵]. چون خود شارع گفته است فتنه بالاتر از قتل است باید از آن پرهیز کرد.

آیا تراحم همیشه بین حکمین است یا تمثیل است؟ بنا به همان مبنای تمثیلی ما حکمین متزاحمین هم تمثیلی است. اگر سه یا پنج

حکم شد باز هم احکام متزاحه است. در این موارد اهمیت روشن می‌شود. اینجا بحث ترتیب و ترتب مطرح می‌شود و جاری است. در صحیح از امام باقر علیه السلام هست که صحیح اعلایی است:

حدثني الحسين بن محمد الأشعري، عن معلى بن محمد الزیادي ، عن الحسن بن علي الوشاء قال: حدثنا أبان بن عثمان، عن فضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر (عليه السلام): قال: بني الاسلام على خمس: على الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم ينأ بشئ كما نودي بالولاية. [۱۶]

از این روایت این را استفاده می‌کنیم که اگر بین نماز و صوم و زکات تراحمی رخ داد و یک طرف بحث‌های امامت و اصل اجرای مباحث دینی بود، ولایت مقدم است.

با توجه به تفحصی که در ادله تراحم داریم، نظر ما به این رسیده است که اگر مکلف دقت کند در خیلی از احکام به ظاهر متزاحمه قانون اهم و مهم قابل استخراج است. حد اقل ختم به همین گونه موضوعات می‌شود مانند فتنه و ولایت.

۴.۵- تقدم حقوق بر حق واحد

راه و ملاک دیگر برای تشخیص اهم این است که اگر یک طرف حکم ما مربوط به حق بود و دیگری مربوط به حقوق بود. یک طرف وحدت و در دیگری تعدد. یک طرف تضییع یک حق و در دیگری دو حق. آنی که حقین باشد مقدم است. مکلفی بین این دو تکلیف بود که غیبت کند و دروغ بگوید البته نه دروغ فتنه‌انگیز. باید غیبت نکند و دروغ بگوید چرا که در غیبت هم حق الناس است و هم حق الله.

در تخییر پیامبر صلی الله علیه و آله بین فرزند و نوه‌شان ابراهیم ایشان به جبرئیل گفتند حسین علیه السلام بماند و ابراهیم برود چرا که در مرگ ابراهیم من و مادرش ناراحت می‌شویم ولی در

مرگ حسین علاوه بر ما علی و فاطمه علیهما السلام اندوهگین می‌شوند. [۱۷]

۴.۶- تأکید خاص شارع

مورد دیگر جایی است که شارع امری را در اوامرش مورد تأکید خاص قرار داده است. امر دایر است بین حج و بین برخی توابعی که رخ می‌دهد مانند قطع رابطه یا انجام نگرفتن برخی واجبات دیگر. اگر فامیلش بگوید که در صورتی که حج بروی به خصوص امسال که خطر است با تو قطع رابطه می‌کنیم. نسبت به حج داریم که **تارك الحج وهو مستطیع كافر**. [۱۸] روایت هم صحیحه است. يقال له عند الموت اگر خواستی یهودی و اگر خواستی نصرانی از دنیا برو. [۱۹] [۲۰] درباره تارك صلات هم داریم [۲۱] [۲۲] ولی تارك حج قوی‌تر است.

اگر در بیماری مسری و برون‌مرزی امر دایر شد بین انجام نشدن حج و مراقبت از کرونا که خواهیم رسید.

۴.۷- سیره عقلا

مورد بعدی جایی است که سیره عقلاییه یا متشرعه داشتیم بر ترجیح یک جانب از اوامر متزاحمه. مثلاً نزد عقلا اگر روزی تراحم واقع شد بین حج و نذر. در مقام امثال قابل جمع نبود. به نظر عقلا نذر حکم دم دستی است ولی حج سالی یک مرتبه واجب می‌شود و مقدم است. مثال دیگر الآن مادری در حال زایمان است و متخصصان نظر داده‌اند که یا جان مادر را باید نجات دهیم یا جان بچه را. اینجا عقلا می‌گویند جان مادر اولی است. البته الجمع مهما ممکن بهتر است ولی اولویت به نجات جان مادر است.

گاهی موارد تشخیص به عهده شارع یا آمر است مانند مجتهد یا متخصص متعهد. ما نظرمات این است که رجوع به متخصص حجیت دارد. مبنای آن هم **﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ﴾** [۲۳] است.

در مقام اول اهل بیت علیهم السلام هستند ولی از باب تمثیل قابل سرایت است. عقلی و عقلایی رجوع به عالم است. گاهی هم مقلد تشخیص می‌دهد. مقلد در مقام امتثال که تراحم رخ می‌دهد بین دو حکم، باید به مفاد اهم عمل کند از هر راهی که اهم را تشخیص دهد.

۵- دیدگاه اهل سنت در تراحم

در بحث مقایسه تاریخی تراحم، اهل عامه بحث مدونی به نام تراحم ندارند. بیشتر آنها همان تراحم لغوی را دارند. اینکه کسی مزاحم دیگری نباشد. در بحث نجات دو غریق هم معتقدند هر کدام را که نجات داد مجزی است. برخی می‌گویند ملاک ارجحیت به انتخاب خود شخص است. چنین چیزی در شیعه نداریم. آنها که قیاس و استحسان را حجت می‌دانند معنای ارجحیت را همین می‌دانند. اگر کسی در مقام فرار است بین دو مسیر که فرصت هم ندارد باز هم بدون مرجح نمی‌تواند یکی را انتخاب کند. از خصایص امامیه بحث ترتب است. اهل عامه به اندازه امامیه اینجا مطلب ندارند. شیعه دستش باز است.

۵.۱- انواع تراحم نزد اهل سنت

تراحم حسنه با حسنه: مانند واجب با مستحب. مثلاً دینی و انفاقی دارد که می‌گویند هر کدام را انتخاب کرد عیبی ندارد. تراحم سیئه با سیئه: می‌خواهد نماز بخواند سائر ندارد. نشسته می‌تواند بخواند. اینجا می‌گویند نشسته بخواند. تراحم حسنه با سیئه: گاهی مثال‌های مستهجنی می‌زنند. با کمال تأسف می‌گویند انتخاب خود شخص کفایت می‌کند. [۲۴] با کمال معذرت می‌گوییم در این سه قسم بهتر است بگوییم ما تراحم بین واجبین و حرامین و... داریم و تقسیم ما بهتر است.

[١] مسند الإمام الشهيد أبي عبد الله الحسين بن علي (ع)،

العطاردي، الشيخ عزيز الله، ج ٣، ص ٩٣.

[٢] جمعه/سوره ٦٢، آيه ١.

[٣] تغابن/سوره ٦٤، آيه ١.

[٤] بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسي، ج ٤٤، ص ٢٤.

[٥] تفسير علي بن إبراهيم : عن أحمد بن إدريس عن أحمد بن

محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن الوشاء عن صديق بن

عبد الله عن إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال : ما

من طير يصاد في بر ولا بحر ولا يصاد شيء من الوحوش إلا

بتضييعه التسبيح.

[٦] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٢، ص ٥٠٤.

[٧] مكارم الاخلاق، طبرسي، حسن بن فضل، ج ١، ص ٣١٣.

[٨] عدة الداعي، حلي، ابن فهد، ج ١، ص ٢٦٥.

[٩] صفات/سوره ٣٧، آيه ١٨٠-١٨٢.

[١٠] الكافي - ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ٤٩٦.

[١١] قال أبو جعفر (عليه السلام): من أراد أن يكتال بالمكيال

الأوفى فليقل إذا أراد أن يقوم من مجلسه: سبحان ربك رب العزة

عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين.

[١٢] احزاب/سوره ٣٣، آيه ٤١.

[١٣] بقره/سوره ٢، آيه ١٨٣.

[١٤] نساء/سوره ٤، آيه ٢٩.

[١٥] بقره/سوره ٢، آيه ٢١٧.

[١٦] الكافي - ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ١٨.

[١٧] نفس المهموم في مصيبة سيدنا الحسين المظلوم و يليه نفثة

المصدور فيما يتجدد به حزن العاشور، القمي، الشيخ عباس، ج ١،

ص ٢٦.

[١٨] من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، ج ٤، ص ٣٦٨.

[١٩] من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، ج ٤، ص ٣٦٨.

[٢٠] من سوف الحج حتى يموت بعثه الله يوم القيامة يهوديا أو نصرانيا.

[٢١] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٣، ص ٢٩، أبواب كتاب الصلاة-فهرست أنواع الأبواب إجمالاً-أعداد الفرائض ونوافلها وما يناسبها، باب ١١، ح ٤، ط الإسلامية.

[٢٢] إن تارك الصلاة كافر، يعني من غير علة.

[٢٣] نحل/سوره ١٦، آيه ٤٣.

[٢٤] مجموعة الفوائد البهية على منظومة القواعد الفقهية، الأسمرى، صالح، ج ١، ص ٤٦.

